

استفاده از روش شیمیایی به منظور تولید پروتئین آبکافت شده از امعاء و احشاء فیتوفاگ (*Hypophthalmichthys molitrix*) و استفاده از آن به عنوان محیط کشت *Listeria monocytogenes*

ماریا اصغرینیا^۱، سکینه یگانه^{۱*}، سید علی جعفرپور^۱، رضا صفری^۲

*skyeganeh@gmail.com

۱-دانشکده علوم دامی و شیلات، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری
۲- پژوهشکده اکولوژی دریای خزر، موسسه تحقیقات علوم شیلاتی کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ساری

تاریخ پذیرش: تیر ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: دی ۱۳۹۴

چکیده

هدف از این تحقیق آبکافت شیمیایی (اسیدی و قلیایی) امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ (*Hypophthalmichthys molitrix*) و استفاده از پپتون‌های تولیدشده به عنوان منبع ازت برای کشت باکتری *Listeria monocytogenes* بوده است. برای این منظور، امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ، از بازار ماهی‌فروشان شهرستان ساری تهیه شده و در مجاورت یخ به آزمایشگاه منتقل گردید. پس از انجمادزدایی امعاء و احشاء در دمای ۴ درجه سانتی‌گراد، آبکافت اسیدی و قلیایی به ترتیب در pH ۳/۳ و ۱۲ در دو دمای ۷۰ و ۸۵ درجه سانتی‌گراد انجام شد. در پایان آبکافت، درجه آبکافت و میزان پروتئین محلول تعیین گردید. سپس از پپتون‌های تهیه‌شده از این ۴ تیمار (هر کدام با ۳ تکرار) به عنوان محیط کشت باکتری در مدت ۴۸ ساعت استفاده و با محیط کشت تجاری BHI مقایسه شد. بیشترین و کمترین مقدار پروتئین به ترتیب مربوط به آبکافت قلیایی در دمای ۸۵ درجه سانتی-گراد و آبکافت اسیدی در دمای ۷۰ درجه سانتی‌گراد بود ($p < 0/05$). بیشترین و کمترین درجه آبکافت به ترتیب مربوط به آبکافت قلیایی در دمای ۸۵ درجه سانتی‌گراد و آبکافت قلیایی در دمای ۷۰ درجه سانتی‌گراد بود ($p < 0/05$). رشد باکتری لیستریا مونوسیتوژنز در تیمارهای اسیدی و قلیایی در دمای ۷۰ درجه سانتی‌گراد به جز زمان ۴۸ ساعت، با تیمار شاهد تفاوت معنی‌داری نداشتند ($p > 0/05$)، اما در دمای ۸۵ درجه سانتی‌گراد در تمام زمان‌های مورد بررسی، آبکافت اسیدی و قلیایی با تیمار شاهد (BHI) اختلاف معنی‌دار داشتند ($p < 0/05$). با توجه به تحقیق انجام‌شده می‌توان گفت که آبکافت قلیایی در دمای بالا بهتر از آبکافت اسیدی می‌باشد و رشد باکتری‌ها در پپتون تولیدی به خوبی رشد آن در محیط کشت تجاری می‌باشد و با توجه به استفاده از امعاء و احشاء ماهی و کم‌هزینه‌بودن روش قلیایی، از نظر اقتصادی مناسب می‌باشد.

کلمات کلیدی: روش شیمیایی، پروتئین آبکافت‌شده، امعاء و احشاء، فیتوفاگ، محیط کشت

* نویسنده مسئول

مقدمه

افزایش تقاضای پروتئین در سطح جهانی سبب تمرکز روی منابع پروتئینی غیرقابل استفاده شده است (Ovissipour et al., 2009b). مقدار زیادی از پروتئین موجود در محصولات جانبی غیرخوراکی صنعت غذایی آبی پروری بدون اینکه بازبازی شوند دور ریخته می شوند (Kristinsson & Rasco, 2000c؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۱). این مواد به عنوان منبع پروتئین و اسیدهای آمینه ضروری با ارزش غذایی بالا به شمار می روند (Benhabiles et al., 2012). امعاء و احشاء ماهی یکی از محصولات جانبی هستند که غنی از پروتئین و چربی های غیراشباع هستند (Raa et al., 1983). جهت تبدیل ضایعات دریایی به محصولات مفیدتر و بازارپسندتر روش های فرآوری نوین نیاز است (Ovissipour et al., 2009b). شاید بتوان اذعان نمود که یکی از بهترین راه ها برای تولید محصولاتی با ارزش افزوده بالا، تولید پروتئین آبکافت شده از این مواد خام کم ارزش می باشد (Møretro et al., 1998). عمل آبکافت، شکسته شدن شیمیایی یا آنزیمی پروتئین ها به پپتیدهایی با وزن مولکولی مختلف می باشد (He et al., 2013). به کارگیری فرآیند تغییر pH با شرایط اسیدی و قلیایی برای افزایش بازبازی پروتئین، روش مناسبی برای استفاده از این نوع مواد خام و تولید پروتئین آبکافت شده می باشد (Hultin & Kelleher, 2000, 2001). لذا یکی از کاربردهای مهم پروتئین آبکافت شده به ویژه به روش شیمیایی، استفاده از آن در محیط کشت برخی از باکتری ها است (Clausen et al., 1985؛ Dufosse et al., 2001؛ He et al., 2013؛ یاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). باکتری ها میکروارگانیسم هایی هستند که برای رشد در محیط های مصنوعی، نیاز به مواد معدنی، منبع کربن و ازت دارند، از طرف دیگر صنعت تخمیر بیوتکنولوژیکی، افزایش تقاضای محیط کشت میکروبی را نشان می دهد. یکی از گرانترین اجزای محیط کشت باکتری ها، منبع ازت می باشد (Martone et al., 2005؛ Aspmo et al., 2005a؛ Safari et al., 2012). لیستریا جزء باکتری های غنی دوست و پرنیاز (۷ آمینواسید لوسین، ایزولوسین، والین، متیونین، آرژنین، سیستئین و گلوتامین و ۴ ویتامین ریبولوآوین، تیامین، بیوتین و تیوکیتیک اسید) بوده و در محیط های

معمولی قادر به رشد نمی باشند، برای جداسازی آن ها از محیط های کاملاً افتراقی استفاده می شود (Premaratne et al., 1991؛ Jones & D'Orazio, 2013؛ شیمی، ۱۳۷۶). از محیط های کشت مورد استفاده جهت جداسازی جنس لیستریا خصوصاً گونه مونوسی توژنز می توان به Gum base-nalidixid acid-tryptone-soya agar (GNT)، McBride agar (MLA)، Oxford agar و... اشاره نمود (Martin et al., 1984؛ Varnam, 1991). قیمت تمام شده این محیط ها بسیار گران بوده و زمان جداسازی باکتری نیز نسبتاً طولانی می باشد. از طرف دیگر جداسازی لیستریا مونوسی توژنز نیاز به غنی سازی اولیه داشته و از محیط های مایع نظیر University of Vermont broth (UVB) و FDA برات استفاده می گردد (Varnam, 1991). بنابراین استفاده از منابع ارزان قیمت مانند امعاء و احشاء ماهی می تواند از طریق عدم دور ریختن آن از یک سو کاهش آلودگی زیست محیطی را به دنبال داشته باشد و از سوی دیگر تولید یک پپتون ارزان قیمت و با عملکرد حتی بهتر از پپتون های تجاری را سبب گردد (Safari et al., 2012).

بر اساس آمار ارائه شده توسط FAO تولیدات جهانی شیلاتی (صید و آبی پروری) در سال ۲۰۱۴، ۱۶۷۲۲۸۹۵۹ (۷۳۷۸۳۷۲۵ تن آبی پروری و ۹۳۴۴۵۲۳۴ تن صید) تن است و ایران دارای سهم ۹۴۷۳۵۴ تن می باشد که ۳۲۰۱۷۴ تن آن مربوط به آبی پروری است (FAO, 2014) و در سال ۱۳۹۲ پرورش ماهیان گرمابی میزان ۱۶۷۸۸۳ تن (کل آبی پروری سال ۱۳۹۲، ۳۷۰۸۷۶ تن) بوده است (آمارنامه دریایی ایران، ۱۳۹۴). تولید ماهی کپورنقره ای (Hypophthalmichthys molitrix) ۸۵۱۷۱ تن می باشد و این نشان دهنده تولید نسبتاً بالای این ماهی در ایران می باشد (FAO, 2014)، اما از آنجایی که این ماهی در رقابت با ماهیان خوش خوراک تر، ماهی کم مصرفی محسوب می گردد، بنابراین تولید فرآورده های متنوع از این ماهی برای ترویج مصرف آن ضروری به نظر می رسد (وئوکی و مستجیر، ۱۳۸۸). مطالعاتی در ارتباط با تولید پروتئین آبکافت شده با روش های مختلف آنزیمی (Hoyle & Merritt, 1994؛ Ovissipour et al., Kristinsson & Rasco, 2000a, b, c

در دمای ۸۵ درجه سانتی‌گراد قرار داده شدند. واکنش‌ها در ۴ تیمار و هر تیمار با ۳ تکرار انجام شدند. آبکافت اسیدی و قلیایی در دو pH ۳/۳ و ۱۲ و در دو دمای ۷۰ و ۸۵ درجه سانتی‌گراد انجام شد. برای انجام آبکافت اسیدی از هیدروکلریک اسید (HCL، مرک آلمان) و برای پایان دادن به این واکنش از هیدروکسید سدیم (NaOH، مرک آلمان) ۲ نرمال استفاده شد. برای انجام آبکافت قلیایی از هیدروکسید سدیم و برای پایان دادن به این واکنش از هیدروکلریک اسید ۲ نرمال استفاده شد. واکنش‌ها در ظرف‌های شیشه‌ای ۲۵۰ میلی‌لیتری در حمام بخار لرزان به مدت ۱۸ ساعت انجام شدند. بعد از خنثی‌سازی و پایان دادن به واکنش‌ها، نمونه‌ها در سانتریفیوژ (Hermle، abortechnic، GmbH Z206A، آلمان) در دور ۵۰۰۰ rpm در دمای ۴ درجه سانتی‌گراد به مدت ۱۵ دقیقه قرار داده شدند و سوپرناتانت جمع‌آوری شد. سوپرناتانت در آن (SHIMAS، ایران) با دمای ۸۵ درجه سانتی‌گراد به مدت ۲۴-۱۸ ساعت قرار داده شد و پروتئین آبکافت‌شده به صورت پودر حاصل شد (Ovissipour et al., 2009b).

تعیین مقدار پروتئین: میزان کل پروتئین مواد خام به روش کلدال (AOAC, 2005) و میزان پروتئین محلول در سوپرناتانت به روش بیورت اندازه‌گیری شد و سرم آلبومین گاوی به عنوان پروتئین استاندارد به کار برده شد (Layne, 1957). برای تعیین غلظت پروتئین محلول، بعد از آبکافت و قبل از سانتریفیوژ، ۱ سی‌سی از نمونه در میکروسانتریفیوژ (EPENDORF، آلمان) با دور ۶۰۰۰ به مدت ۱۰ دقیقه قرار داده شد. سوپرناتانت جمع‌آوری شده و ۰/۵ سی‌سی از آن با ۴/۵ سی‌سی معرف بیورت مخلوط و به مدت ۲۰ دقیقه در دمای اتاق قرار داده شد. سپس در اسپکتروفتومتر (Jenway, 6305، انگلستان) در طول موج ۵۴۰ nm قرائت شد. از مخلوط ۰/۵ سی‌سی آب مقطر و ۴/۵ سی‌سی معرف بیورت به عنوان نمونه شاهد در دستگاه اسپکتروفتومتر استفاده شد. غلظت پروتئین مستقیماً از منحنی استاندارد محاسبه شد (Layne, 1957).

2010, 2009b; Benhabiles et al., 2012) و بررسی خصوصیات ایزوله پروتئین ماهی تولیدشده با روش شیمیایی اسیدی-قلیایی (Palafox et al., 2008; Jafarpour et al., 2013) و استفاده از پپتون تولیدشده از ضایعات برخی ماهیان در محیط کشت باکتریایی انجام شده است (Gildberg et al., 1985; Clausen et al., 1989; Aspino et al., 2005a; Dufosse et al., 2001; 1989; Horn et al., 2007; Vázquez et al., 2004, 2007; Safari Souissi et al., 2009; Ovissipour et al., 2009a; Soltanmoradi & Hedayatifard, 2015; et al., 2012). اما با توجه به اینکه، طبق بررسی‌های انجام‌شده، تحقیقی در ارتباط با تولید پپتون از طریق آبکافت اسیدی و قلیایی امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ و استفاده از آن به عنوان منبع ازت محیط کشت باکتریایی، انجام نشده است، لذا هدف از تحقیق کنونی بررسی اثر pH اسیدی و قلیایی بر آبکافت پروتئین امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ و به دنبال آن، بررسی عملکرد پپتون‌های تولیدشده، به عنوان منبع ازت محیط کشت باکتری *Listeria monocytogenes* می‌باشد.

مواد و روش‌ها

مواد خام اولیه و تولید پروتئین آبکافت‌شده از امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ: این تحقیق در بهار سال ۱۳۹۲ پژوهشکده اکولوژی دریای خزر انجام شد. امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ به عنوان ماده خام اولیه، از بازار ماهی فروشان شهرستان ساری تهیه شده و در مجاورت یخ (با نسبت ۳ به ۱) به آزمایشگاه منتقل گردید. به منظور جلوگیری از فرآیند اتولیز آنزیمی و میکروبی، نمونه‌های اخذشده در ظرف پلاستیکی و در دمای ۲۰- درجه سانتی‌گراد، تا شروع آزمایش، نگهداری شدند. برای انجام آزمایش نمونه‌ها در دمای ۴ درجه سانتی‌گراد انجمادزدایی گردیدند.

ابتدا امعاء و احشاء در دمای ۴ درجه سانتی‌گراد انجمادزدایی شدند. مقدار ۱۰۰ گرم از امعاء و احشاء در مولینکس (SANIA، ایران) کاملاً خرد و به نسبت ۱ به ۲ (w/v) سوبسترا به آب) با آب مقطر مخلوط شدند. سپس برای غیرفعال کردن آنزیم‌های داخلی به مدت ۲۰ دقیقه

جدول ۱: ترکیب محیط کشت BHI و محیط کشت تهیه شده از

پپتون امعاء و احشاء فیتوفاگ (گرم بر لیتر)

Table 1: Composition of BHI media and a media prepared from Silver carp viscera pepton

ترکیبات	محیط کشت BHI	محیط کشت حاوی پپتون تهیه شده از امعاء و احشاء فیتوفاگ
Dextrose	۲	۲
Sodium Chloride	۵	۵
Beef Heart Infusion	۱۰	۱۰
Disodium Phosphate	۲/۵	۲/۵
Calf Brain Infusion	۷/۵	۷/۵
Gelatin peptone	۱۰	—
Silver carp visceral peptone	—	۱۰

تجزیه و تحلیل داده‌ها: این آزمایش در قالب طرح کاملاً تصادفی انجام شد، تجزیه و تحلیل آماری داده‌های بدست آمده پس از بررسی همگنی واریانس‌ها با آزمون لون در نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۷ با استفاده از آنالیز واریانس دو طرفه (برای درجه آبکافت اسیدی و قلیایی در دو دمای مختلف و جذب نوری لیستریا در محیط کشت‌ها و زمان‌های مختلف) انجام شد و مقایسه میانگین تیمارها به کمک آزمون t-test و دانکن با درصد خطای ۵ درصد انجام شد.

نتایج

محتوای پروتئین: میزان کل پروتئین در نمونه امعاء و احشاء فیتوفاگ 18 ± 0.41 درصد بوده است. نتایج حاصل از محتوای پروتئین در آبکافت شیمیایی امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ، در جدول ۲ نشان داده شده است. بیشترین مقدار پروتئین مربوط به آبکافت قلیایی و دمای ۸۵ درجه سانتی‌گراد ($42/30 \pm 0.43$ میلی‌گرم بر میلی‌لیتر) بود و کمترین مقدار آن مربوط به آبکافت اسیدی و دمای ۷۰ درجه سانتی‌گراد به دست آمد ($33/54 \pm 0.81$ میلی‌گرم بر میلی‌لیتر) ($p < 0.05$). تفاوت دما در میزان پروتئین حاصل از هر کدام از آبکافت اسیدی یا قلیایی تفاوت معنی‌داری ایجاد نکرد و اثر متقابل دما در pH نیز معنی‌دار نبود ($p > 0.05$).

درجه آبکافت: درجه آبکافت با استناد بر روش Hoyle و Merritt (۱۹۹۴) و بر مبنای این روش اندازه‌گیری، درصد نسبت پروتئین‌های محلول در تری‌کلرواستیک‌اسید ۱۰٪ به کل پروتئین‌های موجود در نمونه محاسبه شد. برای این منظور بعد از انجام آبکافت مخلوط ۰/۵ سی‌سی نمونه با ۰/۵ سی‌سی تری‌کلرواستیک‌اسید در میکروسانتریفیوژ با دور ۶۰۰۰ به مدت ۱۰ دقیقه قرار داده شد. سپس ۰/۵ سی‌سی از نمونه حاصل با ۴/۵ سی‌سی معرف بیورت مخلوط و در اسپکتروفتومتر در طول موج ۵۴۰ nm خوانده شد. از مخلوط ۰/۵ سی‌سی آب مقطر و ۴/۵ سی‌سی معرف بیورت به عنوان نمونه شاهد در دستگاه اسپکتروفتومتر استفاده شد.

درجه آبکافت طبق رابطه زیر به دست آمد:

$$DH\% = (10\%TCA \text{ soluble } N_2 \text{ in the sample} / \text{Total } N_2 \text{ in the sample}) \times 100$$

که در آن TCA soluble N_2 in the sample: نیتروژن محلول در تری‌کلرواستیک‌اسید ۱۰٪ و Total N_2 in the sample: کل نیتروژن موجود در نمونه می‌باشد.

استفاده از پروتئین آبکافت شده در محیط کشت باکتری

آماده‌سازی میکروارگانیزم و تهیه محیط کشت: باکتری‌های مورد استفاده در این تحقیق به صورت انجماد خشک از سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی تهیه گردید. پس از کشت اولیه باکتری‌ها در محیط BHI و انکوباسیون در دمای ۳۰ درجه به مدت ۱۸ ساعت و رساندن باکتری به رشد لگاریتمی، شستشوی متوالی با سرم فیزیولوژی و متعاقب آن سانتریفوژ در دور ۶۰۰۰ به مدت ۲۰ دقیقه انجام شده و در نهایت تعداد مشخصی (10^5 cfu/g) از باکتری به محیط‌های تجاری و تهیه شده از ضایعات ماهی فیتوفاگ اضافه شد. جهت ارزیابی رشد باکتری لیستریا مونوسیتوزنز در زمان‌های مختلف از دستگاه اسپکتروفتومتر (Jenway, 6305، انگلستان) و قرائت جذب نوری در طول موج ۶۰۰ nm استفاده شد (Safari et al., 2012). ترکیبات محیط کشت‌های BHI و محیط کشت حاوی پپتون تهیه شده از امعاء و احشاء فیتوفاگ در جدول ۱ مشخص شده است.

رشد لیستریا مونوسیتوزنز در محیط کشت حاوی پپتون: نتایج تغییرات جذب نوری لیستریا مونوسیتوزنز در محیط حاوی پروتئین آبکافت شده به روش اسیدی و قلیایی در دمای ۸۵ درجه سانتی گراد و مقایسه آن با محیط کشت تجاری BHI در جدول ۴ نشان داده شده است. نتایج تغییرات جذب نوری لیستریا مونوسیتوزنز در زمان صفر تا ۴۸ ساعت در هر ۳ تیمار ذکر شده، روند صعودی داشته، ولی این روند در تیمار قلیایی در دمای ۸۵ درجه سانتی گراد بهتر از دو تیمار دیگر بود (۴/۴۱۱±۰/۱۵). نتایج روند افزایشی باکتری در تیمارهای اسیدی و قلیایی به جز در زمان ۲۴ ساعت، اختلاف معنی داری با هم نداشت ($p > 0.05$)، اما با تیمار شاهد اختلاف معنی دار داشتند ($p < 0.05$). اثر متقابل نوع محیط کشت در زمان معنی دار بود ($p < 0.05$).

جدول ۴: جذب نوری لیستریا مونوسیتوزنز در محیط حاوی پروتئین آبکافت شده امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ به روش اسیدی و قلیایی در دمای ۸۵ درجه سانتی گراد و محیط کشت

Table 4: Optical density of *Listeria monocytogenes* in media containing Silver carp protein hydrolysate prepared by using acidic and basic method at temperature of 85°C and BHI media

زمان (ساعت)	آبکافت اسیدی	آبکافت قلیایی	شاهد (BHI)
صفر *	۰/۰۳۵±۰/۰۱۴ ^{aE}	۰/۰۳۶±۰/۰۱۶ ^{aE}	۰/۰۲۵±۰/۰۱۳ ^{aE}
۱۲	۰/۰۴۸±۰/۰۳۲ ^{aD}	۰/۰۵۳±۰/۰۰۳ ^{aD}	۰/۰۲۱±۰/۰۰۵ ^{bD}
۲۴	۰/۰۱۲±۰/۰۱۱ ^{bC}	۰/۰۲۱±۰/۰۱۱ ^{aC}	۰/۰۵۲±۰/۰۱۴ ^{cC}
۳۶	۰/۰۱۴±۰/۰۱۴ ^{aB}	۰/۰۲۳±۰/۰۱۸ ^{aB}	۰/۰۶۵±۰/۰۰۴ ^{bB}
۴۸	۰/۰۱۲±۰/۰۱۲ ^{aA}	۰/۰۱۴±۰/۰۱۵ ^{aA}	۰/۰۶۵±۰/۰۰۵ ^{bA}

* داده‌ها به صورت میانگین ± انحراف معیار می‌باشند. حروف کوچک و بزرگ متفاوت به ترتیب نشان از وجود اختلاف معنی دار در هر ردیف و ستون می‌باشد ($p < 0.05$).

نتایج تغییرات جذب نوری لیستریا مونوسیتوزنز در محیط حاوی پروتئین آبکافت شده به روش اسیدی و قلیایی در دمای ۷۰ درجه سانتی گراد و مقایسه آن با محیط کشت تجاری BHI در جدول ۵، نشان داده شده است. نتایج تغییرات جذب نوری لیستریا مونوسیتوزنز از زمان صفر تا ۴۸ ساعت در هر ۳ تیمار ذکر شده، روند صعودی داشته، ولی این روند در تیمار قلیایی ۷۰ درجه سانتی گراد بهتر از ۱۵

جدول ۲: میزان پروتئین امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ (میلی گرم بر میلی لیتر) آبکافت شده به روش اسیدی و قلیایی در دمای ۷۰ و ۸۵ درجه سانتی گراد

Table 2: Protein content of Silver carp viscera hydrolysate prepared by using acidic and basic method at temperature of 70 and 85°C

دما (درجه سانتی گراد)	آبکافت اسیدی (pH ۳/۳)	آبکافت قلیایی (pH ۱۲)
۷۰	۳۳/۵۴±۰/۸۱ ^{*Aa}	۳۵/۹۷±۰/۲۲ ^{Aa}
۸۵	۳۸/۴۳±۰/۸۱ ^{Ba}	۴۲/۳۰±۰/۴۳ ^{Ba}

* داده‌ها به صورت میانگین ± انحراف معیار می‌باشند. حروف کوچک و بزرگ متفاوت به ترتیب نشان از وجود اختلاف معنی دار در هر ردیف و ستون می‌باشد ($p < 0.05$).

درجه آبکافت: نتایج حاصل از درجه آبکافت در آبکافت شیمیایی امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ در جدول ۳ نشان داده شده است. بیشترین مقدار درجه آبکافت مربوط به آبکافت قلیایی و دمای ۸۵ درجه سانتی گراد بود (۲۱/۳۰±۰/۳۷ درصد) و کمترین مقدار آن مربوط به آبکافت قلیایی و دمای ۷۰ درجه سانتی گراد (۱۵/۹۲±۰/۴۰ درصد) بود ($p < 0.05$). تفاوت دما در درجه آبکافت حاصل از آبکافت قلیایی تفاوت معنی داری ایجاد نکرد ($p > 0.05$)، اما در آبکافت اسیدی، افزایش دما موجب افزایش معنی دار درجه آبکافت گردید ($p < 0.05$). اثر متقابل دما در pH نیز معنی دار بود ($p < 0.05$).

جدول ۳: درجه آبکافت (درصد) امعاء و احشاء در آبکافت به روش اسیدی و قلیایی در دمای ۷۰ و ۸۵ درجه سانتی گراد

Table 3: Hydrolysis degree of viscera by using acidic and basic method at temperature of 70 and 85°C

دما (درجه سانتی گراد)	آبکافت اسیدی (pH ۳/۳)	آبکافت قلیایی (pH ۱۲)
۷۰	۱۶/۲۹±۰/۳۵ ^{*Aa}	۱۵/۹۲±۰/۴ ^{Aa}
۸۵	۱۹/۵۱±۰/۲۶ ^{Bb}	۲۱/۳۰±۰/۳۷ ^{Ba}

* داده‌ها به صورت میانگین ± انحراف معیار می‌باشند. حروف کوچک و بزرگ متفاوت به ترتیب نشان از وجود اختلاف معنی دار در هر ردیف و ستون می‌باشد ($p < 0.05$).

دو تیمار دیگر بود ($3/846 \pm 0/056$). نتایج روند افزایشی باکتری در تیمارهای اسیدی و قلیایی اختلاف معنی داری با هم نداشت ($P > 0/05$) و در زمان های ۳۶ و ۴۸ ساعت اثر متقابل نوع محیط کشت در زمان معنی دار بود ($P < 0/05$).

جدول ۵: جذب نوری لیستریا مونوسییتوزنز در محیط حاوی پروتئین آبکافت شده امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ به روش اسیدی و قلیایی

در دمای ۷۰ درجه سانتی گراد و محیط کشت BHI

Table 5: Optical density of *Listeria monocytogenes* in media containing Silver carp protein hydrolysate prepared by using acidic and basic method at temperature of 70°C and BHI media

زمان (ساعت)	آبکافت اسیدی	آبکافت قلیایی	شاهد (BHI)
صفر	$0/048 \pm 0/013^{aE}$	$0/041 \pm 0/003^{aE}$	$0/013 \pm 0/001^{aE}$
۱۲	$0/461 \pm 0/064^{aD}$	$0/529 \pm 0/008^{aD}$	$0/166 \pm 0/008^{aD}$
۲۴	$1/962 \pm 0/024^{aC}$	$1/925 \pm 0/031^{aC}$	$1/746 \pm 0/016^{aC}$
۳۶	$2/736 \pm 0/117^{aB}$	$2/843 \pm 0/096^{aB}$	$2/363 \pm 0/055^{bB}$
۴۸	$3/72 \pm 0/065^{aA}$	$3/846 \pm 0/056^{aA}$	$3/34 \pm 0/085^{bA}$

* داده ها به صورت میانگین $\pm$ انحراف معیار می باشند. حروف کوچک و بزرگ متفاوت به ترتیب نشان از وجود اختلاف معنی دار در هر ردیف و ستون می باشد ($p < 0/05$).

بحث

تولید پروتئین آبکافت شده: این مطالعه، اولین مطالعه در مورد آبکافت اسیدی و قلیایی امعاء و احشاء ماهی فیتوفاگ و تاثیر پیتون تولید شده به عنوان منبع ازت در محیط کشت باکتری لیستریا مونوسییتوزنز می باشد. مطالعات بسیار اندکی در ارتباط با استفاده از روش های شیمیایی جهت تهیه پروتئین آبکافت شده از امعاء و احشاء ماهی انجام شده است.

در مطالعه ی Soltanmoradi و Hedayatifard (۲۰۱۵)، درجه آبکافت اسیدی امعاء و احشاء ماهی قزل آلا ی رنگین کمان (*Oncorhynchus mykiss*) در دمای ۸۵ درجه سانتی گراد، $43/25 \pm 0/55$ میلی گرم بر میلی لیتر به دست آمد. بیشترین محتوای پروتئین ($32/61 \pm 2/76$ درصد) و درجه آبکافت ($3/47 \pm 0/01$ درصد) امعاء و احشاء تاس- ماهی ایرانی (*Acipenser persicus*) در pH ۳/۳ و دمای ۸۵ درجه سانتی گراد تعیین شد (Ovissipour et al., 2009b). در تحقیق حاضر نیز با افزایش دما محتوای پروتئین و درجه آبکافت افزایش یافت، اما pH قلیایی موثرتر بود و بیشترین محتوای پروتئین ($42/30 \pm 0/43$ میلی گرم بر میلی لیتر) و بیشترین درجه آبکافت ($21/30 \pm 0/37$ درصد) مربوط به pH قلیایی و دمای ۸۵ درجه سانتی گراد بود. تهیه ی ایزوله پروتئین ماهی مرکب

(*Dosidicus gigas*) با تغییر pH نشان داد که ۸۵٪ از پروتئین اولیه عضله در pH ۳ و ۱۱ به صورت محلول درآمد و صرف نظر از pH مورد استفاده، در حدود ۹۰٪ پروتئین بعد از ته نشینی در pH ۵/۵ به دست آمد. حلالیت پروتئین با باردار شدن پروتئین ها (مثبت یا منفی) در pH اسیدی یا قلیایی اتفاق و ته نشینی آن در pH ایزوالکتریک به دلیل باردار نبودن پروتئین اتفاق می افتد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که فرآوری با اسید و قلیا می تواند برای حصول ایزوله پروتئین قابل استفاده باشد (Palafox et al., 2008). در مطالعه ی Jafarpour و همکاران (۲۰۱۳)، مشخص شد که روش تغییر pH قابلیت جایگزینی با روش های معمول بازیابی پروتئین از عضله را دارد. Demir و Kristinsson (۲۰۰۳)، محتوای پروتئین را در آبکافت اسیدی ماهی ماکرل اسپانیایی (۷۳/۶ درصد) بیشتر از قلیایی (۶۹/۳ درصد) به دست آوردند که مطالعه ی حاضر با یافته های این مطالعه مطابقت ندارد. محتوای پروتئین حاصل از آبکافت اسیدی *Oreochromis niloticus* ۵۶-۶۱ درصد و *Salmo salar* ۷۱/۵ درصد به دست آمد (Kristinsson & Rasco, 2000a, b). مقدار پروتئین بازیابی شده از آبکافت گوشت جوجه در pH های ۱۱/۵ و ۱۲ بیشتر از pH های ۱۰/۵ و ۱۱ بود که با نتایج تحقیق حاضر مطابقت دارد (Omana et al., 2009). میزان

پروتئین به دست آمده از آبکافت اسیدی و قلیایی گوشت بوقلمون در pH های ۲/۵، ۱۰/۵ و ۱۱/۵ تفاوت چندانی نداشت و در pH ۳/۵ از همه کمتر بود (Hrynets et al., 2010). آبکافت اسیدی پروتئین‌ها در مقایسه با آبکافت قلیایی رایج‌تر است. اگرچه استفاده از pH قلیایی جهت آبکافت، منجر به تولید پروتئین با خصوصیات کارکردی و ارزش مغذی ضعیف می‌گردد، اما این روش جهت بازیابی پروتئین و افزایش حلالیت در دامنه وسیعی از پروتئین‌ها در صنایع غذایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در طول آبکافت قلیایی پروتئین‌های ماهی، شکست سریع پروتئین‌ها به پلی‌پپتیدهای بزرگ محلول در آب اتفاق می‌افتد (Nolsøe & Undeland, 2009)، لذا ممکن است تاثیر بیشتر شرایط قلیایی در مطالعه‌ی حاضر نیز، به دلیل ذکر شده باشد. همچنین تفاوت نتایج به دست آمده از مطالعات مختلف در ارتباط با شرایط قلیایی و اسیدی ممکن است به خصوصیات ماده اولیه مورد آبکافت از جمله محتوای بافت پیوندی مرتبط باشد (Ovissipour et al., 2009b). همچنین در مطالعه‌ی Ovissipour و همکاران (۲۰۰۹b)، بیشترین میزان درجه آبکافت و محتوای پروتئین توسط آبکافت آنزیمی امعاء و احشاء تاس‌ماهی ایرانی (*Acipenser persicus*) با آلکالاز به دست آمد (به ترتیب ۰/۱۷±۰/۲۷، ۲/۳±۷۳/۳۴ درصد) و کمترین میزان درجه آبکافت و محتوای پروتئین به ترتیب مربوط به استفاده از آنزیم‌های تریپسین و فلاورزایم (به ترتیب ۰/۱۲±۰/۶۷، ۰/۷۶±۶۹/۰۷ درصد) بود. محتوای پروتئین در روش آنزیمی بیشتر از روش شیمیایی (اسیدی و قلیائی) بوده است. یکی از علل محتوای پایین پروتئین در آبکافت شیمیایی، توانائی پایین بازیابی پروتئین در آبکافت شیمیایی مواد با پیوستگی بالای بافتی مانند امعاء و احشاء است (Ovissipour et al., 2009). مقدار کم درجه آبکافت به دست آمده در مطالعه حاضر ممکن است علاوه بر تفاوت در نمونه مورد استفاده به دمای پایین‌تر مورد استفاده، مرتبط باشد. Ovissipour و همکاران (۲۰۱۰)، بیشترین محتوای پروتئین را از آبکافت آنزیمی سر ماهی تن زردباله با آلکالاز در زمان ۲۴ ساعت (۱/۵±۸۰/۲ درصد) و کمترین مقدار آن را با پروتامکس در زمان ۴ ساعت به دست آوردند (۱/۷±۷۲/۳۲ درصد). درجه آبکافت

آلکالاز در زمان‌های مشابه بیشتر از پروتامکس بود. اگرچه پروتئین آبکافت شده حاصل از روش آنزیمی دارای خصوصیات کارکردی بهتری می‌باشد، اما هزینه‌ی زیاد به دلیل استفاده از آنزیم، مدت بالای آبکافت حدود دو ساعت (در مقابل زمان ۲۰ دقیقه در روش شیمیایی) و بازیابی کم پروتئین در مقایسه با روش شیمیایی (در زمان مشابه) از ویژگی‌های این روش می‌باشد، در مقابل اگرچه در روش شیمیایی امکان کنترل کیفیت پروتئین آبکافتی وجود ندارد و پروتئین آبکافتی حاصل از این روش، خصوصیات شیمیایی و کارکردی متغیر (Blenford, 1994) و ضعیف-تری دارد، اما بازیابی بالای پروتئین، فرآوری سریع و هزینه‌ی کم، این روش را برای تولید پروتئین آبکافتی به منظور استفاده در فرآورده‌های با ارزش کمتر مانند کودها و منبع نیتروژن جهت رشد باکتری‌ها مناسب ساخته است (He et al., 2013).

رشد باکتری: نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که باکتری لیستریا مونوسیتوژنز در پپتون‌های تولیدشده از آبکافت اسیدی و قلیایی در هر دو دمای ۷۰ و ۸۵ درجه سانتی‌گراد در زمان ۴۸ ساعت رشد بیشتری نسبت به محیط کشت تجاری BHI نشان داد. Horn و همکاران (۲۰۰۷) دلیل رشد بهتر باکتری‌های اسیدلاکتیک را به محتوای مواد مغذی بالاتر (آمینواسیدهای مورد نیاز) در پپتون‌ها مرتبط دانستند که ممکن است رشد بیشتر لیستریا در این مطالعه را نیز توجیه کند. استفاده از منابع پپتونی تولیدشده از ماهیان مختلف (کاد، تون و سالمون) در کشت ۶ گونه باکتری *Escherichia coli*، *Lactobacillus casei* مخمر *Saccharomyces cerevisiae*، *Sporobolomyces odor* و *Penicillium roqueforti* نشان داد که در اکثر موارد، استفاده از پپتون‌های تولیدشده از ماهی نتایج خوبی به همراه داشته است (Dufosseé et al., 2001). نتایج آزمایشات Vázquez و همکاران (۲۰۰۴)، در کاربرد پپتون‌های تولیدشده از ماهی در رشد باکتری‌های بیماریزا و پروبیوتیک (سودوموناس، ویبریو و روزتوباکتر) نیز مشخص نمود که باکتری‌ها در پپتون‌های تولیدشده از امعاء ماهی تون، در مقایسه با محیط‌های کشت تجاری معمول، رشد بیشتری نشان دادند. Souissi و همکاران

(۲۰۰۹)، مشاهده نمودند که باکتری *Staphylococcus simulans* در محیط کشت حاوی پروتئین آبکافت شده‌ی ماهی ساردین به خوبی رشد می‌کند. محیط کشت‌های حاوی پروتئین آبکافت شده بر رشد باکتری‌های گروه لاکتیک‌اسید تاثیر زیادی داشتند (Vázquez et al., 2007). Aspino و همکاران (۲۰۰۵b)، مشاهده کردند که پروتئین آبکافت شده نسبت به پپتون‌های تجاری، اثر بیشتری روی رشد باکتری‌های لاکتیک‌اسید دارد. Martone و همکاران (۲۰۰۵)، استفاده از پروتئین آبکافتی ضایعات حاصل از فیله کردن ماهی هیک (*Merluccius hubbsi*) با اندازه‌ی پپتید ۱/۵ تا ۲۰ کیلودالتون را به عنوان منبع مواد مغذی (نیترژن و کربن آلی) در محیط کشت باکتری‌های *Halobacterium salinarum*، *Escherichia coli*، *Bacillus subtilis* و *Staphylococcus epidermidis* مناسب دانستند. همچنین مشخص شد که استفاده از پپتون حاصل از آبکافت آنزیمی (آلکالاز و پروتامکس) سر ماهی نون زردباله (*Thunnus albacares*) در محیط کشت باکتری‌ها (*Pseudomonas putida*)، *Pseudomonas aeruginosa*، *Streptococcus faecium*، *Listeria monocytogenes* و ... برای رشد باکتری‌ها موثرتر بود، همچنین پپتون حاصل از درجه آبکافت بالاتر (آلکالاز) موجب رشد بیشتر باکتری‌ها شد، بنابراین عنوان شد که انتخاب روش مناسب برای تولید پپتون در استفاده از آن در محیط کشت باکتریایی موثر است (Ovissipour et al., 2009a). در مطالعه‌ی Safari و همکاران (۲۰۱۲)، رشد باکتری‌ها (انواعی از لاکتوباسیلوس) در محیط کشت (MRS) حاوی پپتون تولید شده از سر ماهی تن با آلکالاز و پروتامکس نسبت به محیط کشت تجاری بهتر بود. در این مطالعه نیز نتایج Ovissipour و همکاران (۲۰۰۹a) در ارتباط با تاثیر بیشتر پپتون حاصل از درجه آبکافت بالاتر در رشد باکتری‌ها و انتخاب روش مناسب برای تولید پپتون در استفاده از آن در محیط کشت باکتریایی مورد تایید قرار گرفت. نتایج به دست آمده از این محققین با نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر در ارتباط با رشد باکتری لیستریا مونوسیتوزنا در محیط کشت حاوی پپتون نیز مطابقت دارد. به نظر می‌رسد درجه آبکافت بالاتر موجب جذب بهتر پپتون‌ها از محیط کشت می‌گردد.

Gildberg و همکاران (۱۹۸۷) گزارش کردند که باکتری‌های لاکتیک‌اسید در پپتون حاصل از درجه آبکافت بالاتر، رشد بیشتری داشتند. نوع ماده خام اولیه در تولید پپتون موثر بوده و درجه آبکافت پپتون مناسب برای رشد هر باکتری متفاوت است. همچنین وجود نیترژن زیاد دلیلی بر رشد باکتری نخواهد بود، بلکه عوامل غیرنیترژنه مانند مواد معدنی، عناصر کمیاب، ویتامین‌ها نوکلئوتیدها و لیپیدها نیز موثرند، لذا ممکن است پپتون‌ها علاوه بر نیترژن، محتوی عوامل غیر نیترژنه موثر بر رشد باکتری‌ها نیز باشند (Dufosse et al., 2001). Clausen و همکاران (۱۹۸۵)، رشد بهتر باکتری‌ها را در محیط کشت باکتریایی (*Vibrio anguillarum*، *Proteus* sp.) حاوی پپتون تولید شده از آبکافت اتولیتیک امعاء و احشاء ماهی گزارش نمودند. نتایج Soltanmoradi و Hedayatifard (۲۰۱۵) در استفاده از پپتون تولید شده از آبکافت اسیدی امعاء و احشاء ماهی قزل‌آلای رنگین کمان به عنوان محیط کشت باکتری *Staphylococcus aureus* مشخص کرد که باکتری در محیط کشت محتوی پپتون رشد کمتری از محیط کشت تجاری دارد. بنابراین عنوان کردند که باکتری نمی‌تواند به خوبی از پپتون حاصله استفاده کند، چرا که وزن مولکولی و طول زنجیره پپتیدی پپتون برای استفاده توسط باکتری مناسب نیست. اما با این وجود در این مطالعه استفاده از پپتون به عنوان یک محصول با ارزش افزوده و ارزان قیمت پیشنهاد شد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه آبکافت اسید و قلیایی نسبت به آبکافت آنزیمی امعاء و احشاء گزارش شده در مطالعات مختلف بازدهی کمتری دارد، اما با توجه هزینه‌ی پایین‌تر آن از نظر اقتصادی قابل استفاده می‌باشد، البته با توجه به اینکه در مطالعه حاضر فقط دو دما و pH مد نظر قرار گرفت، پیشنهاد می‌شود آبکافت در دامنه‌ی وسیع‌تری از دما و pH انجام شود. همچنین مشخص شد که پپتون‌های تولید شده از آبکافت شیمیایی امعاء و احشاء ماهی کپور نقره‌ای قابل استفاده در محیط کشت BHI می‌باشد. بنابراین استفاده از ضایعات ماهی برای تولید پپتون‌ها علاوه بر این که می‌تواند از آلودگی محیط زیست جلوگیری نماید، می‌تواند به عنوان منبعی قابل استفاده در محیط‌های کشت باکتریایی باشد.

منابع

- Benhabiles, M.S., Abdi, N., Drouiche, N., Lounici, H., Paus, A., Goosen, M.F.A. and Mameri, N., 2012.** Fish protein hydrolysate production from sardine solid waste by crude pepsin enzymatic hydrolysis in a bioreactor coupled to an ultrafiltration unit. *Materials Science and Engineering*, 32: 922–928. doi.org/10.1016/j.msec.2012.02.013.
- Blenford, D.E., 1994.** Protein hydrolysates: Functionalities and uses in nutritional products. *International Food Ingredients*, 3, 45.
- Clausen, E., Gildberg, A. and Raa, J., 1985.** Preparation and testing of an autolysate of fish viscera as growth substrate for bacteria. *Applied Environmental Microbiology*, 50: 1556–1557. doi. 0099-2240/85/121556-02\$02.00/0.
- Dufosseé, L., De la Broise, D. and Guérard, F., 2001.** Evaluation of nitrogenous substrates such as peptones from fish: a new method based on Gompertz modeling of microbial growth. *Current Microbiology*, 42: 32–38. doi.10.1007/s002840010174.
- FAO, 2014.** The state of world fisheries and aquaculture, Opportunities and challenges. 243 p.
- Gildberg, A., Batista, I. and Strøm, E., 1989.** Preparation and characterization of peptones obtained by a two-step enzymatic hydrolysis of whole fish. *Biotechnology Applied Biochemistry*, 11: 413–423.
- He, S., Franco, C. and Zhang, W., 2013.** Functions, applications and production of protein hydrolysates from fish processing
- آمارنامه دریایی ایران، ۱۳۹۴. معاونت علمی و فناوری، ستاد توسعه فناوری و صنایع دانش بنیان دریایی. ۱۰۶ صفحه.
- حسینی، ش.، غرق، ا.، جمالزاده، ح.، صفری، ر. و حسینی، ش.، ۱۳۹۱. مقایسه پروتئین هیدرولیز شده از امعاء و احشاء و سر ماهی فیتوفاگ (*Hypophthalmichthys molitrix*) با استفاده از آنزیم آلکالاز و آنزیم های داخلی بافت. مجله علمی شیلات ایران، سال ۲۱، شماره ۳، صفحات ۶۲ تا ۵۵.
- شیمی، الف.، ۱۳۷۶. باکتری شناسی دامپزشکی و بیماری های باکتریایی. چاپ اول. موسسه نشر جهاد وابسته به جهاد دانشگاهی. فصل چهارم: صفحات ۱۳۰ تا ۱۲۳، فصل نهم: صفحات ۱۸۸ تا ۱۸۶.
- وثوقی، غ. و مستجیر، ب.، ۱۳۸۸. ماهیان آب شیرین (چاپ هشتم). انتشارات دانشگاه تهران. ۳۳۴ صفحه.
- یاسمی، م.، قمی مرزدشتی، م.ح.، دارنهال، ط.، محمدزاده، ب. و امینی، ه.، ۱۳۹۲. مقایسه راندمان بازیافت و درجه هیدرولیز پروتئین های موجود در امعاء و احشای ماهی کپور سرگنده (*Aristichthys nobilis*) با استفاده از آنزیم. مجله علمی شیلات ایران سال ۲۲، شماره ۱، صفحات ۱۵۶ تا ۱۴۹.
- AOAC, 2005.** Official methods of analysis. sixteenth ed. Association of Official Analytical Chemists, Washington DC.
- Aspmo, S.I., Horn, S.J. and Eijsink, V.G.H., 2005a.** Use of hydrolysates from Atlantic cod (*Gadus morhua* L.) viscera as a complex nitrogen source for lactic acid bacteria. *FEMS Microbiology Letters*, 248: 65–68. doi.10.1016/j.femsle.2005.05.021.
- Aspmo, S.I., Horn, S.J. and Eijsink, V.G.H., 2005b.** Hydrolysates from Atlantic cod (*Gadus morhua* L.) viscera as components of microbial growth media. *Process Biochemistry*, 40: 3714–3722. doi.org/10.1016/j.procbio.2005.05.004.

- compared to traditional repared Surimi. *Ecopersia* under review. 3: 315-327
- Jones, G.S. and D'Orazio, S.E.F., 2013.** *Listeria monocytogenes*: Cultivation and Laboratory Maintenance. *Current Protocols in Microbiology*, 5; 31: 9B.2.1–9B.2.7. doi: 10.1002/9780471729259.mc11a01s00.
- Kristinsson, H. and Demir, N., 2003.** Functional fish protein ingredients from fish species of warm and temperate waters: Comparison of acid- and alkali-aided processing vs. conventional surimi processing. In P. J. Bechtel (Ed.), *Advances in Seafood Byproducts 2002 Conference Proceedings*. Anchorage: Alaska Sea Grant College Program University of Alaska. pp: 277–295.
- Kristinsson, H.G. and Rasco, B.A., 2000a.** Biochemical and functional properties of Atlantic salmon (*Salmo salar*) muscle proteins hydrolyzed with various alkaline proteases. *Journal of Agriculture and Food Chemistry*, 48: 657–666.
- Kristinsson, H.G. and Rasco, B.A., 2000b.** Fish protein hydrolysates: production, biochemical, and functional properties. *Critical Reviews in Food Science and Nutrition*, 40(1): 43–81. doi: 10.1080/10408690091189266.
- Kristinsson, H.G. and Rasco, B.A., 2000c.** Kinetics of the hydrolysis of Atlantic salmon (*Salmo salar*) muscle proteins by alkaline proteases and a visceral serine protease mixture. *Process Biochemistry*, 36: 131–139. doi.org/10.1016/S0032-9592(00)00195-3.
- co-products (FPCP) (review). *Food Research International*, 50: 289–297.
- Horn, S.J., Aspmo, S.I. and Eijsink, V.G.H., 2007.** Evaluation of different cod viscera fractions and their seasonal variation used in a growth medium for lactic acid bacteria. *Enzyme and Microbial Technology*, 40: 1328–1334. doi.org/10.1016/j.enzmictec.2006.10.007.
- Hoyle, N.T. and Merritt, J.H., 1994.** Quality of fish protein hydrolysate from Herring (*Clupea harengus*). *Journal of Food Science*, 59: 76–79. doi: 10.1111/j.1365-2621.1994.tb06901.x.
- Hrynets, Y., Omana, D.A., Xu, Y. and Betti, M., 2010.** Comparative study on the effect of acid- and alkaline-aided extractions on mechanically separated turkey meat (MSTM), Chemical characteristics of recovered proteins. *Process Biochemistry*, 46: 335–343. doi.org/10.1016/j.procbio.2010.09.006.
- Hultin, H.O. and Kelleher, S.D., 2001.** Process for Isolating a Protein Composition from Muscle Source and Protein Composition. U.S. patent, 6: 188-216.
- Hultin, H.O. and Kelleher, S.D., 2000.** Surimi processing from dark muscle fish. In Park JW, *Surimi and Surimi Seafood*. Marcel Dekker Inc New York: 59–77.
- Jafarpour, A., Shabanpour, B. and Shirvani, S., 2013.** Biochemical properties of fish protein isolate (FPI) from silver carp (*Hypophthalmichthys molitrix*) by application of acid-alkali processes

- Alcalase and Protamex. International Aquatic Research, 2: 87-95.
- Ovissipour, M., Safari, R., Motamedzadegan, A., Rasco, B., Pourgholam, R., Mohagheghi, E. and Esmaili Mulla A., 2009a.** Use of hydrolysates from Yellow fin tuna *Thunnus albacares* fisheries by-products as a nitrogen source for bacteria growth media. International Aquatic Research, 1: 73–77.
- Ovissipour, M., Safari, R., Motamedzadegan, A. and Shabanpour, B., 2009b.** Chemical and biochemical hydrolysis of persian sturgeon (*Acipenser persicus*) visceral protein. Food Bioprocess Technology, 5: 460-465.
doi. 10.1007/s11947-009-0284-x
- Palafox, H., Cordova, M., Julio, H., Navarretedel, T., Maria, A., and GarciaCarreno, L., 2008.** Protein isolates from jumbo squid (*Dosidicus gigas*) by pH-shift processing. Process Biochemistry, 44: 584–587.
doi.org/10.1016/j.procbio.2009.02.011
- Premaratne, R.J., Lin, W.J. and Johnson, E.A., 1991.** Development of an Improved Chemically Defined Minimal Medium for *Listeria monocytogenes*. Applied Environmental Microbiology, 57: 3046–3048. doi.0099-2240/91/103046-03\$02.00/0.
- Raa, J., Gildberg, A. and Strøm, T., 1983.** Silage production—theory and practice. Agricultural Science, 36: 117–132. Upgrading Waste for Feeds and Food, Proceedings of Previous Easter Schools in
- Layne, E., 1957.** Spectrophotometric and turbidimetric methods for measuring proteins. In: Methods in Enzymology, Vol. 3, 450 p. New York. Academic Press, Inc.
- Martin, R.S., Sumarah, R.K. and MacDonald, M.A., 1983.** A synthetic based medium for the isolation of *Listeria monocytogenes*. Clinical and investigative medicine. Medecine Clinique et Experimentale, 7(4): 233-237.
- Martone, C.B., Borla, O.P. and Sanchez, J.J., 2005.** Fishery by product as a nutrient source for bacteria and archaea growth media. Bioresource Technology, 96: 383–387.
doi.org/10.1016/j.biortech.2004.04.008.
- Møretrø, T., Hagen, B.F. and Axelsson, L., 1998.** A new, completely defined medium for meat lactobacilli. Journal of Applied Microbiology, 85: 715–722.
doi.10.1111/j.1365-2672.1998.00583.x
- Nolsøe, H. and Undeland, I., 2009.** The acid and alkaline solubilization process for the isolation of muscle proteins: State of the art. Food and Bioprocess Technology, 2: 1–27. doi. 10.1007/s11947-008-0088-4.
- Omana, D.A., Xu, Y., Moayedi, V. and Betti, M., 2009.** Alkali-aided protein extraction from chicken dark meat: Chemical and functional properties of recovered proteins. Process Biochemistry, 45: 375–381.
doi.org/10.1016/j.procbio.2009.10.010
- Ovissipour, M., Benjakul, S., Safari, R. and Motamedzadegan, A., 2010.** Fish protein hydrolysates production from yellowfin tuna (*Thunnus albacores*) head using

- hydrolysates and peptone. *African Journal of Biotechnology*, 8(3): 451-457.
- Tannenbaum, S.R., Ahern, M. and Bates, R.P., 1970a.** Solubilization of fish protein concentrate. I. An alkaline process. *Food Technology*, 24(5): 604.
- Varnam, A.H., 1991.** Foodborn pathogens. Wolf Publishing Ltd, England, pp: 327-353.
- Vázquez, J.A., Docasal, S.F., Prieto, M.A., Gonzalez, M.P. and Murado, M.A., 2007.** Growth and metabolic features of lactic acid bacteria in media with hydrolysed fish viscera. *Bio resource Technology*, 99: 6246-6257. doi.10.1016/j.biortech.2007.12.006.
- Vázquez, J.A., Gonzalez, M.P. and Murado, M.A., 2004.** A new marine medium-use of different fish peptones and comparative study of the growth of selected species of marine bacteria. *Enzyme Microb. Technol.*, 35(5): 385-392. doi.org/10.1016/j.enzmictec.2004.02.007
- Agricultural Science*, 1st edition by Ledward, D., Taylor A. J. and Lawrie R. A., 1983. Butterworth-Heinemann, 332 p.
- Safari, R., Motamedzadegan, A., Ovissipour, M., Regenstein, J.M., Gildberg, A. and Rasco, B., 2012.** Use of hydrolysates from yellowfin tuna (*Thunnus albacares*) heads as a complex nitrogen source for lactic acid bacteria. *Food and Bioprocess Technology*, 5: 73-79. doi.10.1007/s11947-009-0225-8. doi.10.1007/s11947-009-0225-8
- Soltanmoradi, F. and Hedayatifard, M., 2015.** Tracing Growth of *Staphylococcus aureus* in a Medium Containing Peptone Derived from Rainbow Trout (*Oncorhynchus mykiss*) Viscera. *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences*, 5(4): 156-160.
- Souissi, N., Bougatef, A., Trikiellouz, Y. and Nasri, M., 2009.** Production of lipase and biomass by *Staphylococcus simulans* grown on sardinella (*Sardinella aurita*)

Use of chemical method for preparing of protein hydrolysate from Silver carp (*Hypophthalmichthys molitrix*) viscera and its application as culture media for *Listeria monocytogenes*

Asgharnia M.¹; Yeganeh S.^{1*}; Jafarpour S.A.¹; Safari R.²

*skyeganeh@gmail.com

1-Faculty of Animal Sciences and Fisheries, Sari Agricultural Sciences and Natural Resources University, Sari

2-Caspian Sea Ecology Research Center, Iranian Fisheries Science Research Institute, Agricultural Research, Education and Extension Organization, Sari

Abstract

The aim of this study is to chemically hydrolyze of silver carp (*Hypophthalmichthys molitrix*) viscera and the effect of obtained peptones as a nitrogen source for culture of *Listeria monocytogenes*. Silver carp viscera were provided by a local market in Sari, Northern Iran. After freeze-thawing of Viscera at 4°C was used for hydrolysis. Acidic and alkaline hydrolysis was done at two pH 3.3 and 12, and two temperatures of 70 and 85°C. At the end of hydrolysis DH% (hydrolysis degree) and protein content were measured. Then obtained peptones from these 4 treatments (three replicates for each treatment) used as *Listeria monocytogenes* culture media at 48 hours and compared with BHI culture media. Results showed that maximum and minimum protein concentration were related to alkaline hydrolysis at 85 °C and acidic hydrolysis at 70 °C, respectively (p<0.05). The highest DH% was related to alkaline hydrolysis at 85 °C and the lowest of it was related to alkaline hydrolysis at 70 °C (p<0.05). Growth of *Listeria monocytogenes* in acidic and alkaline produced treatments at 70 °C had no significant differences compared to control (BHI) except at 36 and 48h. But at 85 °C had differences at all hours significantly (p<0.05). This study showed that alkaline hydrolysis in higher temperature is better than acidic hydrolysis and growth of bacteria in fish peptone could be done as well as commercial cultured media. Due to usage of fish viscera and alkaline method with low processing cost, it's economically suitable.

Keywords: Chemical method, Protein hydrolysate, Viscera, Silver carp, Culture media

*Corresponding author